

عدالت جنسیتی در آرمان شهر اسلامی

پرویز صبوری کزج^۱

جواد صبوری کزج^۲

چکیده

بحث جنسیت از مقولات مهم تمدنی است که اسلام نیز در قالب مفهوم عدالت جنسیتی بدان توجه داشته است. عدالت جنسیتی پدیده‌ای است که رشد و تعالی فرد، بنیان خانواده و سلامت جامعه را تضمین می‌کند. این پژوهش با هدف مطالعه عدالت جنسیتی در آرمان-شهر اسلامی، با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. نتایج یافته‌ها نشان داد، تفاوتی بین زن و مرد از لحاظ آفرینش و سرشت آنها وجود ندارد و زن و مرد در ابعاد مختلف عدالت جنسیتی حقوق و تکالیف یکسانی دارند. ابعاد شناسایی شده عدالت جنسیتی عبارتند از: ۱. عدالت در آفرینش زن و مرد، ۲. عدالت در مالکیت، ۳. عدالت در آزادی عمل، ۴. عدالت در حقوق متقابل همسر. همچنین با شمارش واژگان جنسیتی مشخص شد، ۸۰ آیه مربوط به جنس مرد در و ۷۳ آیه مربوط به جنس زن، آمده است. راهکارهای تحقق عدالت جنسیتی در آرمان شهر اسلامی عبارتند از: ترویج معنویت در خانواده، حسن معاشرت، مشورت و همفکری، صداقت و اعتماد، تقسیم کار و تعاون، کنترل غیر رسمی. واژگان کلیدی: آرمان شهر اسلامی، عدالت جنسیتی، زن و مرد، خانواده

^۱ دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، saboori.p@gmail.com

^۲ دانشجوی ارشد فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، javadsabouri@yahoo.com

مقدمه

نگاه به جنسیت مقوله پراهمیتی در حوزه رویکرد تمدنی محسوب می‌گردد. به تعبیر دیگر هر تمدنی، یک رویکرد به خصوص در حیطه جنسیت داشته است. قرآن به عنوان یکی از منابع چهارگانه اسلامی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است و از این جهت نگاه قرآن به موضوعات می‌تواند ما را به رویکرد اسلامی و به تبع آن نگاه تمدنی و آرمان شهری بدان موضوع نزدیک کند.

خانواده تنها نهاد فطری، اجتماعی و جاودانه بشری است که رشد و تعالی فرد و سلامت اجتماعی جامعه را تضمین می‌کند. چنانچه، خانواده به عرصه کشاکش قدرت و سلطه تبدیل شود و بین اعضای آن عدالت طلبی، ایثار و همدلی نباشد، شاهد انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله خشونت در خانواده، کالایی شدن زن، پدیده طلاق، خیانت، فرزندان نامشروع، فرار از خانه، ازدواج سفید و... خواهیم شد. فوکو معتقد است؛ «هرجا قدرت است، مقاومت است» (ترنر، ۱۳۹۴: ۱۲۴) و هرجا مقاومت است رابطه فرادستی و فرودستی، رقابت و حسادت در تعاملات نمود می‌یابد. خانواده پویا و بانشاط که قرآن از آن به «محل آرامش» انسان یاد می‌کند، زمانی می‌تواند کارکردهای اجتماعی و فردی خود را ایفاء نماید که تعاملات اجتماعی بین اعضاء مبتنی بر «عدالت» باشد. حضرت علی (ع) مهم‌ترین کارکرد عدالت را قرار دادن هر چیز در جای خود می‌داند «العدل یضع الامور مواضعها» (حکمت: ۴۳۷). یکی از ابعاد عدالت که نقش مهمی در پویایی و نقش آفرینی مؤثر در خانواده دارد، «عدالت جنسیتی» است.

پدیده نابرابری و تبعیض جنسیتی نشاط اجتماعی، حرمت فردی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (گئوس: ۲۰۱۲)؛ به همین دلیل مجمع سازمان ملل، سال ۱۹۷۵م را سال جهانی «زن» و فاصله سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۷۵ را دهه «زن: برابری، توسعه و

صلح» نامید. کشور ایران بر روی کمربند مردسالاری^۱ واقع شده و این امر نشان می‌دهد، به واسطه حاکمیت ایدئولوژی مردسالاری پدیده‌هایی مانند خشونت علیه زنان، میزان بالای نرخ طلاق، تبعیض در اشتغال، سواد، سطح درآمد، بهداشت روز به روز بیشتر می‌شود. بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، میانگین شاخص نابرابری جنسیتی^۲ (GII^۳) ۱۶۰ کشور جهان، در سال ۲۰۱۷ م. (۰٫۳۴۶) است، در این رتبه بندی ایران با نمره (۰٫۴۶۱) در رده ۶۰ جهان قرار دارد.

مطالعات نشان می‌دهد، توجه به آموزه‌های دینی و نهادینه شدن تعالیم دینی در زندگی گروه‌ها و اجتماعات انسانی، نقش مهمی در حاکمیت عدالت و برابری جنسیتی دارد. کلین گورووا و هاولیک (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «مذهب و نابرابری جنسیتی: وضعیت زنان در جوامع ادیان جهانی» تأثیر دینداری بر نابرابری جنسیتی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند مناطقی که اکثریت ساکنان آن بدون وابستگی مذهبی هستند، سطح نابرابری جنسیتی پایین‌تر از جوامعی است که وابستگی مذهبی دارند. همچنین کشورهایی که مسیحی و بودایی هستند نسبت به کشورهای مسلمان و هندو از سطح نابرابری جنسیتی پایینی برخوردارند.

اگرچه بحث جنسیت و عدالت جنسیتی در آموزه‌های سایر ادیان جهان مورد بحث قرار گرفته، ولی پرداختن به عدالت جنسیتی از منظر قرآن کریم از این حیث اهمیت دارد که قرآن آخرین کتاب آسمانی و معجزه آخرین پیامبر خداوند که ۲۳ درصد جمعیت جهان (مسلمانان) آموزه‌های این کتاب عظیم را مبنای عمل در زندگی خود قرار می‌دهند. قرآن با

۱ . patriarchal belt .

۲ . به حوزه جغرافیایی اشاره دارد که شامل شمال آفریقا، خاور میانه، جنوب آسیا و بخش‌هایی از مناطق روستایی در چین می‌شود.

۳ . دامنه این شاخص بین (برابری زنان و مردان) تا (نابرابری زنان و مردان) قابل تغییر است.

۴ . Inequality Index Gender .

یادآوری رفتارهای تبعیض آمیز اعراب جاهلی بین جنس زن و مرد، اهمیت پرداختن به موضوع عدالت جنسیتی را خاطر نشان می‌سازد. قرآن با نکوهش اعراب جاهلی که عزت و افتخار را در داشتن پسر می‌دانستند و وقتی که صاحب دختر می‌شدند چهره شان برافروخته می‌شد (نحل: ۵۸). تا جایی که او را زنده به گور می‌کردند^۲ (تکویر ۹-۸)، به پیامبر اسلام (ص) به خاطر دختردار شدنش امر می‌کند که برای این [هدیه] برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن^۳ (کوثر: ۲-۱).

باتوجه به مطالب بیان شده، این پژوهش درصدد است تا آنچه خداوند در قرآن کریم پیرامون عدالت جنسیتی در اختیارمان قرار داده مورد بررسی و تحلیل قرار داده تا به این سوالات پاسخ داده شود که در آرمان شهر اسلامی نوع نگاه به مقوله عدالت جنسیتی چگونه است؟ عدالت جنسیتی از منظر قرآن کریم چگونه است؟ از دیدگاه قرآن، کدام ابعاد برای عدالت جنسیتی ارائه شده است؟ قرآن چه راهکارهایی را برای عملیاتی شدن عدالت جنسیتی در خانواده پیشنهاد می‌کند؟

پیشینه پژوهش

احمدزاده (۱۳۹۵)، پژوهشی که با عنوان «شاخص‌های کیفی عدالت از دیدگاه قرآن کریم» با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام داد با استناد به آیات قرآن، چهار شاخص عدالت را مقوله بندی کرد که عبارتند از:

۱- عدالت فرهنگی ۲- عدالت اجتماعی ۳- عدالت اقتصادی ۴- عدالت سیاسی.

۱. وَإِذَا بُيِّنَ لَهُمُ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

۲. وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

۳. أَنَا أَعْظَمُكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ

شریفی و لطفی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)»، که با روش کتابخانه‌ای انجام دادند نتیجه گرفتند: از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع)، باورها و اعتقادات نقشی اساسی در خانواده دارند و ازدواج را امر مقدّسی می‌داند و همگان را به این امر فرا خوانده است و به آن تشویق می‌نماید و معیارهای تقوا، عقل، اخلاق نیک و همتایی در انتخاب همسر را مورد توجه قرار می‌دهند و مدیریت خانواده را به مرد و لزوم مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مخصوصاً مسئولیت تربیت دینی پدر نسبت به فرزندان و همکاری زن و شوهر در خانه را ضروری می‌دانند و تأکید به رفتار شایسته با همسران و محبت و مهرورزی نسبت به آنان می‌نمایند.

بروجردی علوی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «روابط خانوادگی از منظر قرآن» که با روش تحلیل محتوا انجام دادند نتیجه گرفتند: که علی‌رغم تأکید قرآن کریم بر اهمیت زندگی خانوادگی، حمایت از زندگی مشترک، تربیت فرزند، انواع ارتباط و ... خداوند بین خود و انسان یک رابطه شخصی قائل است و خانواده و اموال همگی برای آزمایش انسان قرار داده شده است.

نوآوری این مقاله در پرداخت به مفهوم عدالت جنسیتی از منظر قرآن کریم است، این در حالی است که سایر مطالعات و پژوهش‌های نزدیک به این زمینه به طور اختصاصی به مفهوم عدالت جنسیتی نپرداخته‌اند. مقالات و پژوهش‌های صورت گرفته براساس روش‌های تحلیل محتوای کیفی و کتابخانه‌ای بوده‌اند؛ اما روش این مقاله به صورت تلفیقی بوده و از این جهت نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

ادیات و مبانی پژوهش

واژه‌شناسان «عدل» را به معنای برابری، همسانی، همانند و مساوات گرفته و گفته‌اند عدل و عدل در معنی نزدیک‌همند، ولی عدل در چیزی است که تساوی آن با بصیرت درک شود و عدل در مورد چیزی است که تساوی آن با حس فهمیده شود. عدل، مساوات در جزاست (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۵۶۵). معنای عدالت و به تبع آن عدالت جنسیتی همواره

مناقشه‌آمیز بوده و این مفهوم در طول تاریخ، قادر به طرح پرسش‌ها و ابهامات پایان‌ناپذیر بوده است؛ علامه جعفری درباره این معمای تاریخی می‌گوید: «سؤال این است که ما می‌بینیم نوع بشر در جریان عبور از مراحل ساده به مراحل پیچیده‌تر، هراندازه که مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و حقوقی، گسترده‌تر می‌شود، مسئله (جنسیت) زن و مرد از حالت مسئله بودن به معما بودن مبدل می‌گردد (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۴۴).

فمینیست‌های لیبرال مفهوم عدالت را مرادف با «برابری^۱ و تساوی» می‌دانند و عدالت جنسیتی یعنی برابری و تشابه زن و مرد در دسترسی به آنچه در جهان لذت بخش است. زنان برای بهره‌مندی از این لذت باید توانمند گردند (گئوس، ۲۰۱۲). فمینیست‌های رادیکال، دیدگاهی تندتر نسبت به لیبرال‌ها دارند و معتقدند: زن موجودی برتر از مرد است که برای رهایی خود از سلطه مردان راهی جزء پیکار ندارند (ابوت و کلر، ۱۳۹۵: ۳۵).

نظریه‌های ارائه شده در خصوص تبعیض علیه زن، با توجه به انسان‌شناسی هرکدام از جامعه‌شناسان و اندیشمندان اجتماعی متفاوت است. پارسونز معتقد است؛ زنان بنابر نقش بیولوژیک شان در تولید مثل، گزینه‌ای برای پرورش دیگران دارند و این گزینه، آن‌ها را برای ایفای نقشی «پراحساس» در خانواده‌ی هسته‌ای کاملاً شایسته می‌سازد. این نقش «پراحساس» مستلزم توجه و رسیدگی به نیازهای جسمی و روحی تمام اعضای خانواده به ویژه فرزندان تحت تکفل است. بیولوژی مردان، آن‌ها را برای ایفای نقشی ابزاری در خانواده مناسب می‌کند، نقشی که مستلزم تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و پیوند دادن آن با جهان خارج است (گرت، ۱۳۸۰: ۱۷).

برخی نیز آموزش و تربیت را عامل تعیین‌کننده در تفاوت حقوق و تکالیف زن و مرد می‌دانند. جان استوارت میل؛ «تربیت» را مرجح بر «طبیعت» می‌داند و معتقد است اخلاقیات

و سنت‌های حاکم بر جامعه همواره نرم‌خویی و مطیع بودن زن را ترویج می‌کنند، خصلت‌هایی که به جزئی جدایی‌ناپذیر از جذابیت جنسی زن تبدیل شده‌اند (میل، ۱۳۷۵: ۱۶).

از دهه ۱۹۷۰ گروهی که زیست‌شناسان اجتماعی مشهور شدند، از تاثیر ترکیب ژنتیکی در جنبه‌های اجتماعی انسان سخن گفتند. ویلسون و فاکس دست‌والعمل‌های زیستی متفاوتی سخن گفتند که در جریان رشد تکاملی انسان‌های نخستین نهاده شده و سبب گشته است تا زنان با فرزندانشان پیوند عاطفی برقرار کنند و نرها به تسلط یافتن بر جنس ضعیف‌تر و در دست داشتن مواضع قدرت گرایش یابند (ریتزر، ۱۳۸۳: ۴۷۱).

از سال‌های نخست دهه هفتاد، میل^۱ و اوکلی^۲ واژه‌های «جنس Sex و جنسیت Gender» را در کتاب «جنس، جنسیت و جامعه» برای نشان دادن تمایز میان تفاوت‌های طبیعی و فرهنگی به کار گرفتند. این تقسیم‌بندی نشان داد عامل تفاوت و تمایز مرد و زن صرفاً بیولوژیکی و روانی نیست، بلکه جنسیت آفریده اجتماعی و برآیند سنت‌های حاکم جامعه است. انسان‌ها به شکل افرادی مذکر و مؤنث متولد می‌شوند، اما به زنان و مردان مبدل می‌شوند. تبدیل شدن به یک زن به معنای پذیرش و اتخاذ هویت زنانه است که به نوبه خود، شالوده‌کنش‌های زنان را شکل می‌دهد (سیدمن، ۱۳۹۳: ۲۸۹). سیمون دوبووار^۳ از فمینیست‌های دوره دوم، با تأییراتی که از سارتر گرفته معتقد است؛ «هیچ فردی زن زاده نمی‌شود، بلکه بعدها زن می‌شود». دوبووار هیچ سرنوشت زیستی و روانی و اقتصادی، سیمایی را که ماده انسانی در دل جامعه به خود می‌گیرد تعریف نمی‌کند، مجموعه تمدن

Millet, Kate . ۱

An.Oakley . ۲

Simone.De Beauvoir . ۳

است که این محصول حدفاصل نر و اخته را که مونث خوانده می‌شود تولید می‌کند»
(دوبووار، ۱۳۸۵: ۳۳).

این رشد اندلسی فیلسوف قرن ششم که تحت تاثیر اندیشه‌های افلاطون بوده بر این باور است که زنان از تمام استعداد‌های مردانه، از جمله رزم و فلسفه آموزی، البته در سطحی نازلتر، برخوردارند و می‌توانند در الگوی دولت شهر افلاطونی به حکومت هم برسند. او معتقد بود که تفاوت‌های فاحش زنان و مردان در علم، فهم و عمل چندان ناشی از ویژگی‌های طبیعی نیست و موقعیت فرودستی آنان برخاسته از ظلم تاریخی است (زیبایی نژاد، ۱۳۸۵: ۴۵).

باتوجه به مطالب مورد بحث و وجود اختلاف در دیدگاه جامعه‌شناسان، اندیشمندان اجتماعی و فمینیست‌ها نسبت به عدالت جنسیتی، این پژوهش درصدد است تا در آخرین کتاب آسمانی که نقشه راهی برای سعادت بشریت تا آخر تاریخ است، به مقوله عدالت جنسیتی و ابعاد آن پرداخته تا راهکارهای عملیاتی برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی که برآمده از ناعدالتی جنسیتی است، معرفی نماید.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش توصیفی تحلیلی بوده است. هرچند از آمار و تحلیل آماری پیرامون آیات قرآن کریم نیز ذیل روش توصیفی تحلیلی بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش، ۱۱۴ سوره قرآن که دارای ۶۲۳۶ آیه و ۸۲۷۴۸ واژه، واحد تحلیل آیه‌های قرآن کریم است. برای بررسی داده‌های پژوهش از نرم افزار EXCEL و MAXQDA استفاده شده است. مبنای شمارش و تحلیل آیات قرآن کریم، کتابت عثمان طه و ترجمه فولادوند است.

ابعاد عدالت جنسیتی

با بررسی آیات قرآن کریم در مورد واژه‌هایی که مبین جنس مرد و زن بودند طبق جدول شماره (۱) مشخص شد که خداوند متعال در قرآن واژه‌های «رَجُل»، «رجال»، «بنین»، «ابناء» و

والد» را به ترتیب (۲-۱۴-۱۲-۲۷-۲۵) بار) در آیات آورده است. همچنین واژه‌های «نساء»، «امرات»، «بنات»، و «والده» را به ترتیب در (۴-۱۲-۱۵-۴۲) آیه آمده است. همچنین واژه «والدین»، «والدیه»، «والدان» و «ابوه» ۱۹ بار آمده است.

جدول شماره (۱): تعداد آیات قرآن که واژگان جنس (زن و مرد) در آنها آمده است

واژه	تعداد آیه	شماره آیه
رَجُل	۲۵	غافر: ۲۸ / هود: ۷۸ / سبأ: ۴۳ / الاعراف: ۶۹ / الاعراف: ۷ / الاعراف: ۶۳ / الزخرف: ۳۱ / المومنون: ۳۸ / المومنون: ۲۵ / یس: ۲۰ / القصص: ۲۰ / القصص: ۱۵ / سبأ: ۷ / احزاب: ۴ / مائده: ۲۳ / نساء: ۱۲ / یونس: ۲ / نور: ۲۹ / بقره: ۲۸۹ / اسراء: ۴۷ / فرقان: ۸ / انعام: ۹ / نحل: ۷۶ / کهف: ۳۲ / کهف: ۳۷
رجال	۲۷	جن: ۶ / توبه: ۱۰۸ / فتح: ۲۵ / نور: ۳۱ / نور: ۳۷ / الاعراف: ۴۶ / الاعراف: ۴۸ / الاعراف: ۸۱ / نساء: ۷ / نساء: ۸۱ / نساء: ۳۲ / نساء: ۷۵ / نساء: ۳۴ / نساء: ۳۴ / نساء: ۱۷۶ / بقره: ۲۲۸ / بقره: ۲۸۲ / بقره: ۲۳۹ / یوسف: ۱۰۹ / ص: ۶۲ / نحل: ۴۳ / حج: ۲۷ / نمل: ۵۵ / عنکبوت: ۲۹ / احزاب: ۲۳ / احزاب: ۴۰ / انبیاء: ۷
بنین	۱۲	آل عمران: ۱۴ / الاسراء: ۶ / الاسراء: ۴۰ / انعام: ۱۰۰ / مومنون: ۵۵ / صافات: ۱۵۳ / المدثر: ۱۳ / نوح: ۱۲ / شعراء: ۱۳۳ / قلم: ۱۴ / الزخرف: ۱۶ / نوح: ۱۲
أَبْنَاء	۱۴	بقره: ۴۹ / بقره: ۱۴۶ / غافر: ۲۵ / نور: ۳۱ / مائده: ۱۸ / آل عمران: ۶۱ / الاعراف: ۱۲۷ / الاعراف: ۱۴۱ / مجادله: ۲۲ / ابراهیم: ۶ / انعام: ۲۰ / قصص: ۴ / احزاب: ۴ / احزاب: ۵۵
والد	۲	لقمان: ۳۳ / بلد: ۳
نساء	۴۲	بقره: ۴۹ / بقره: ۲۲۲ / بقره: ۲۳۶ / بقره: ۲۳۵ / بقره: ۲۳۲ / بقره: ۲۳۱ / نساء: ۱ / نساء: ۱۱ / نساء: ۲۴ / نساء: ۳ / نساء: ۴ / نساء: ۷ / نساء: ۱۹ / نساء: ۲۲ / نساء: ۳۲ / نساء: ۴۳ / نساء: ۷۵ / نساء: ۳۴ / نساء: ۱۲۹ / نساء: ۲۳۲ / نساء: ۱۷۶ / نساء:

۱۲۷/مائده: ۶/ احزاب: ۳۰ / احزاب: ۳۲ / احزاب: ۵۲ / احزاب: ۵۹ / آل عمران: ۱۴/ آل عمران: ۴۲ / آل عمران: ۶۱ / حجرات: ۱۱/ فتح: ۲۵/ الاعراف: ۱۲۷ / الاعراف: ۱۴۱ / الاعراف: ۸۱ / نور: ۳۱ / نور: ۶۰ / طلاق: ۱/ غافر: ۲۵/ قصص: ۴/ ابراهیم: ۶/ نمل: ۵۵/		
مسد: ۴/ هود: ۸۱/ هود: ۷۱/ الاعراف: ۸۳/ نمل: ۵۷/ الذریات: ۲۹/ الحجر: ۶۰ / مریم: ۵/ مریم: ۸/ بقره: ۲۸۲ / قصص: ۲۳/ آل عنکبوت: ۳۲/ عنکبوت: ۳۳ / عمران: ۴۰/ یوسف: ۲۱	۱۵	امرات
نساء: ۲۳/ احزاب: ۵۰/ احزاب: ۵۹/ نساء: ۲۳/ انعام: ۱۰۰/ الحجر: ۷۱/ هود: ۳۹/ هود: ۷۸/ هود: ۷۹/ صافات: ۱۴۹/ صافات: ۱۵۳/ نحل: ۵۷ /	۱۲	بنات
بقره: ۲۳۳/ نساء: ۷/ نحل: ۱۹/ مریم: ۳۲/	۴	والده
بقره: ۸۳/ بقره: ۲۱۵/ بقره: ۱۸۰/ احقاف: ۱۵/ احقاف: ۱۷/ القمان: ۱۴/ نساء: ۷/ نساء: ۳۶/ نساء: ۱۳۵/ نساء: ۳۳/ مائده: ۱۱۰/ نوح: ۲۸۰/ ابراهیم: ۴۱/ عنکبوت: ۸/ انعام: ۱۵۱/ الاسراء: ۲۳/ مریم: ۱۴/ کهف: ۸۰/ نساء: ۱۱	۱۹	والدین/والدیه/ والدان/ابواه

با مطالعه آیات شریف مشخص شد که خداوند متعال در ابعاد مختلفی به عدالت جنسیتی پرداخته است که در ادامه با آوردن شواهدی از آیات به آنها پرداخته می‌شود:

عدالت زن و مرد در آفرینش

آنچه در تعیین هویت و نقش های زنان و مرد و حقوق و تکالیف آنها نقش اساسی دارد؛ تعریفی است که از جنس (زن و مرد) و جنسیت (زنانگی و مردانگی) و خاستگاه تمایزات و تفاوت ها ارائه می‌شود. زیست شناسان اجتماعی، فمینیست های رادیکال، روانکاوان و برخی جامعه شناسان وجه ممیزه جنس و جنسیت را در ویژگی های بیولوژیکی و جبری تعریف می‌کنند. محتوای سوره نساء دعوت به عدالت است و ۳۵ آیه اول این سوره که به حقوق و تکالیف افراد خانواده می‌پردازد، در اولین آیه سوره نساء، هرگونه تبعیض جنسیتی در آفرینش انسان رد می‌کند و زن و مرد را از حیث حقیقت و جنس یک واقعیت بیان می‌کند «الذی

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء:۱). منظور از «نفس واحد» یعنی انسان از حیث «حقیقت و جنس» یک واقعیت داشته و مضمون آن از این حیث با آیه ۱۳ سوره حجرات متفاوت است که افراد انسان در سوره حجرات از نظر «حقیقت انسانیت» یکسانند (المیزان:۲۱۵). با لحاظ همین آیه قرآن، سعدی می‌گوید:

بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند

خداوند در سوره حجرات نیز به بر هرگونه صفات ظاهری و ویژگی‌های طبیعی که که الفاء‌کننده رتبه و منزلت باشد خط بطلان می‌کشد و تنها فضیلت و برتری را در داشتن «تقوی» بیان می‌کند. قرآن تفاوت در ظواهر جسمانی را نه برای تفاخر، بلکه شناسایی یکدیگر عنوان می‌نماید «لتعارفوا^۱». خداوند زن و مرد را در دریافت پاداش «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ... عَدَدَ اللَّهِ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا^۲» (احزاب:۳۵). اعمال تنبیه «الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ^۳» (نور:۲) و رشد و کمالات معنوی «وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَاتِينَ وَالْقَاتِينَ ... الْقَاتِينَ^۴» (احزاب:۳۵) یکسان می‌بیند.

عدالت زن و مرد در حق مالکیت

از حقوقی که خداوند در قرآن برای هر دو جنس (زن و مرد) بصورت عادلانه معرفی می‌کند، داشتن حق مالکیت بر دارایی و دسترنج خود، است. قرآن حق مالکیت و تسلط هر فرد بر دستاورد خود را در سوره نساء این چنین بیان می‌کند: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (۱۳:حجرات)

۲. به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، ... خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.

۳. باید هر یک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید.

۴. مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، ...

نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ^۱» (نساء: ۳۲). باتوجه به حدیث نبوی که می فرماید: «الناس مسلطون علی اموالهم» دلیل روشنی است که اسلام حق داشتن اختیار و سلطه بر جان و مال را که انسان (مرد و زن) خود بدست آورده است تأیید می نماید. کاملاً مبرهن است که بخشش مال در صورتی که انسان مالک مال خود باشد تحقق می یابد. خداوند به زنان نیز همچون مردان حق مالکیت و بخشش مال قائل است و می فرماید: «وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ...» (احزاب: ۳۵)

عدالت زن و مرد در حق آزادی

داشتن حق اختیار و آزادی برای هر دو جنس (زن و مرد) در آیات شریف قرآن مورد تأکید است؛ به طوری که خداوند در سوره نجم همه دستاوردهای انسان را نتیجه سعی و تلاش می داند «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى^۲». (نجم: ۳۹). که اگر آزادی عمل و اختیار در فرد نباشد نتیجه عمل بی ارزش است. در سوره مدثر به روشنی حق برخورداری از آزادی و تعیین سرنوشت را برای همه انسانها (زن و مرد) بیان می کند: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ^۳». (مدثر: ۳۸) در تفسیر این آیه آمده است: «مراد از «رهن» گروگان است؛ گوئی تمام وجود انسان در گرو انجام وظایف و تکالیف او است» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۲۹۵).

خداوند در سوره نمل به حکومت زن در جامعه پرداخته و هوشمندی ملکه سباء را بر فرماندهان و بزرگان این سرزمین یادآور می شود، هرچند پرنده هدهد نیز بر حکومت زن بر جامعه دچار شکفتی می شود «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ^۴...» (نمل: ۲۳).

۱. مردان نصیبی از آنچه بدست می آورند دارند و زنان نیز از آنچه بدست می آورند نصیبی دارند (و نباید حقوق هیچ يك پایمال گردد).

۲. بر آدمی جز نتیجه تلاش وی چیزی نیست.

۳. هر کسی در گرو دستاورد خویش است،

۴. من [آنجا] زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می کرد

در مقوله حجاب نیز که برخی آن را محدودیت برای زنان و سلب آزادی آنها قلمداد می-کنند، خداوند در سوره احزاب فلسفه حجاب را شناخته شدن و تمایز دختران پیامبر(ص) و زنان مؤمنه از زنان غیر مؤمنه و جلوگیری از آزار به آنها موقعی که در جامعه حضور می یابند بیان می کند. « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ » (احزاب: ۵۹). در تفسیر این آیه آمده است: «منظور از شناخته شدن در این آیه، به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که او باش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند؛ بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۳۹۹)؛ لذا از این آیه برداشت می-شود که زنان با حفظ حجاب شرعی مختارند در جامعه و در صحنه های سیاسی- اجتماعی حضور داشته باشند، به طوری که در تبلیغ و مجاهدت پیامبران و امامان همواره زنان نقش آفرین بوده اند. ساره و هاجر در کنار حضرت ابراهیم(ع)، حضرت مریم در کنار حضرت عیسی(ع)، مادر موسی در کنار حضرت موسی(ع)، حضرت فاطمه(س) در کنار حضرت علی(ع) و حضرت زینب(س) در کنار حضرت امام حسین(ع) حضور داشته اند. همچنین خداوند در آیه ۲۶ سوره قصص آزادی بیان و حق ارائه پیشنهاد دختران را عنوان می کند که ارزش متعالی است « قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ^۲ ».

عدالت زن و شوهر در خانواده

از منظر قرآن، تحقق عدالت در خانواده و روابط بین زن و شوهر منوط به هم ترازوی زن و شوهر در چهار نوع سرمایه (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی) است. عدالت در کانون

۱. ای پیامبر به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.

۲. یکی از آن دو [دختر] گفت ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می کنی هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است.

خانواده کاملاً متفاوت از دیدگاه جامعه‌شناسان فایده‌گرا است. خداوند به روابط زن و شوهر در خانواده اساساً نگاه نفع‌طلبانه و اقتصادی نداشته، بلکه تناسب فکری، عاطفی و اخلاقی را مبنای استحکام خانواده و روابط زن و شوهر بیان می‌کند: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۲۷). همچنان که لباس با بدن هم از لحاظ ظاهر (رنگ، اندازه، جنس) و هم از نظر نگهداشتن در برابر معایب و شخصیت بخشی به صاحبش باید متناسب باشد. همچنین در سوره نساء در خصوص برابری در سرمایه اقتصادی زوجین قبل از ازدواج می‌فرماید: «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ»^۲. نیز در سوره نور در مورد تناسب زنان پلید برای مردان پلید و زنان پاکدامن برای مردان پاک می‌فرماید: «الْحَبِيبَاتُ لِلْحَبِيبِينَ وَالْحَبِيبُونَ لِلْحَبِيبَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ ...»^۳ (نور: ۲۶). این آیه یک اصل کلی را مطرح می‌کند که در انتخاب همسر تناسب زن و مرد از لحاظ ایمان و پاکدامنی مورد تأکید است به عبارتی:

ناریان مر ناریان را جاذبند
نوریان مر نوریان را طالبند^۴

قرآن کریم با معرفی دو اصل اساسی در ارتباط زن و شوهر، راهکار بی بدیلی را برای استحکام خانواده‌ها معرفی می‌کند، این دو اصل عبارتند از ۱- مودت ۲- رحمت. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ

۱. زنان لباس شما (مردان) هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگر).

۲. و هر کس از شما از نظر مالی نمی‌تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] درآورد پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند] و خدا به ایمان شما داناتر است.

۳. زنان پلید برای مردان پلیدند و مردان پلید برای زنان پلید و زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک اینان از آنچه در باره ایشان می‌گویند بر کنارند برای آنان آموزش و روزی نیکو خواهد بود.

۴. مولوی، ۱۳۸۹؛ دفتر دوم: ۲۹

يَتَفَكَّرُونَ^۱ (روم: ۲۱). صداقت، اعتماد و کفو هم بودن از مؤلفه‌هایی است که در این آیه با برقراری عدالت جنسیتی ارتباط دارد. لذا می‌توان گفت اگر کشش قلبی و مودت در ارتباط بین زن و شوهر حاکم باشد، سودجویی و چشمداشت مادی در خانواده رنگ می‌بازد.

با این نگاه می‌توان گفت: هدف خداوند در بحث صداقت صرفاً افزایش صمیمیت در کانون خانواده و توجه به شأن زن می‌باشد. خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صِدْقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا^۲» (نساء: ۴) صدقه، عطیه و بخششی از شوهر به زن است که نشان دهنده صداقت و ایمان است، بنابراین نمی‌توان آن را یک قرارداد مالی صرف پنداشت.

از این منظر می‌توان آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ^۳» (نساء: ۳۴) را بهتر بررسی کرد. برخی از مفسران، منظور از قوامیت را فقط در خانواده و ارتباط زوجیت می‌دانند که آن نیز معلول نفقه مرد به زن است؛ بنابراین مرد در قبال زنی که همسرش نیست قوامیت ندارد؛ زیرا هزینه زندگی‌اش را نمی‌پردازد (علایی رحمانی، ۱۳۸۳: ۴۸). از نظر خبری، ترجمه کردن واژه «قوامون» بسیار دشوار است و ترجمه آن به محافظ، سرپرست و حامی ترجمه دقیقی نیست؛ زیرا به نوعی ضعف جسمی و عقلی زن را تداعی می‌کند و با دیگر آموزه‌های اسلامی سازگار نیست. آیه فقط به طور خاص برخی مردان را بر برخی زنان به دلیل هزینه و پولی که می‌پردازند قوام تلقی کرده است؛ بنابراین قرآن آشکارا مردان را در برابر زنان قوامون تلقی نکرده است. جالب است که در آیه حتی گفته نشده که برخی

۱. و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام‌آرام بگیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.

۲. و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند آن را حلال و گوارا بخورید.

۳. مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.

مردان ذاتاً و فطرتاً بر برخی زنان برتری دارند؛ بلکه فقط اظهار داشته که در موارد خاص برخی مردان بهتر از برخی زنانند (پارسا، ۹۴: ۱۳، ۵۸).

اما با توجه به روح کلی قرآن که فضیلت را در تقوی و پاکدامنی معرفی نموده، می‌توان گفت اگر قوامیت فضیلت مردانه باشد صرفاً در خانواده است و دوم اینکه اگر مختص خانواده لحاظ شود، جایی که رحمت و مودت و عاطفه و اخلاق جاری باشد، سرپرستی مرادف با سلطه و ریاست نمی‌تواند باشد، چون در آن صورت فلسفه تشکیل خانواده که رسیدن به آرامش واقعی بوده به هم می‌ریزد؛ لذا با توجه به تفسیر برخی مفسران (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۰: ۲۱) از این آیه هیچگونه تحقیر و نقش دومی از زن استنباط و از کرامت انسانی زن کاسته نمی‌شود و اینکه طبق این آیه، زن حق حضور در جامعه را نداشته باشد افتراء به خداست.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش جایگاه عدالت جنسیتی در آرمان‌شهر اسلامی مورد مطالعه و توجه قرار گرفته است. همانطور که اشاره شد قرآن کریم به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اسلامی است. با کشف و مطالعه مفهوم عدالت جنسیتی در قرآن کریم می‌توان گام بزرگی در جهت رویکرد اسلامی به موضوع جنسیت و آرمان‌شهر اسلامی برداشت.

در زبان عربی نقش واژه‌ها و کلمات در جمله با ضمیر مذکر و مونث و با علامت‌های خاصی بیان می‌شود و این نوع ساختار در آموزه‌های قرآن نیز مؤثر است. هرچند خداوند با نشانه‌های مذکر آمده اما به معنای این نیست که خداوند، مذکر است؛ بلکه خداوند فراجنسیتی و توصیف ناشدنی است. از نگاه قرآن، مرد و زن از لحاظ ظاهری و بیولوژیکی متفاوتند، اما به لحاظ منشاء و هدف خلقت یکسانند و هر دو از یک سرشت واحد آفریده شده‌اند. به طوری که مولانا در مثنوی با توسل به آیه ۱ سوره نساء به زیبایی این نکته را بیان می‌کند:

روح را با مرد و زن اشراک نیست

لیک از تانیث جان را باک نیست

این نه آن جان است کز خشک و تراست

از مونث وز مذکر برتر است

(مولوی، ۱۳۸۹، دفتر اول: ۱۹۸۷-۱۹۸۶)

قرآن؛ الگوهای ارزشی را هم از جنس زن و هم از جنس مرد مثال می آورد، مریم، آسیه، نوح و لوط را، نمونه ای از انسان های مؤمن و متقی معرفی می کند و از طرفی زنان لوط و نوح، و مردانی چون فرعون و هامان نمونه هایی از انسان های خائن، متکبر و برتری جوی می داند. از نظر قرآن عدالت ارزشی پذیرفته شده است و با برابری و یکسانی متفاوت است. عدالت، آن است که به هر کس براساس استحقاقش بدهند، گرچه موجب تفاوت شود؛ زیرا تفاوت گذاشتن بر اساس لیاقت ها و کمالات حق است. خداوند فلسفه تفاوت بین انسان ها را تقسیم کار، تعاون و رسیدن به انسجام اجتماعی مطلوب تر بیان می کند نه فخرفروشی، استثمار و سلطه بر دیگران « نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا » (الزخرف: ۳۲).

دورکیم^۲ از نظریه پردازان جامعه شناسی در کتاب «تقسیم کار اجتماعی» با تقسیم بندی جوامع به مکانیکی و ارگانیکی بیان می کند که عامل مهم تمایز این دو نوع جوامع «ناهمانندی و تخصصی شدن کارهاست». زن و مرد به این دلیل با هم تمام جویای یکدیگرند که با هم تفاوت دارند. در واقع مرد و زن به صورت جدا از هم، جزء بخش های متفاوت یک کل واقعی نیستند که با اتحاد آنها دوباره شکل می گیرد. به عبارتی سرچشمه همبستگی زناشویی در تقسیم کار جنسی است... زن در ادوار گذشته دور، به هیچ وجه آن موجود ضعیفی نیست اما تمدن و پیشرفت باعث تضعیف زن شده است. اگر پیوندهای میان دو همسر متعدد و

۱. ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میان آنان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را تسخیر و با هم تعاون کنند.

پیچیده باشد، قواعد مادرسالاری گسترده‌تر می‌شود. وضع ازدواج در جوامعی که دو جنس در آن به شکل از هم تمایز نیافته‌اند، خود شاهدهی برای سست شدن همبستگی زناشویی است (دورکیم، ۱۳۹۶: ۶۰-۵۷).

با مقایسه آمار واژگان هر دو جنس معلوم می‌شود واژه‌های تداعی‌کننده مرد بیش از زن آمده است و این یافته کاملاً با نظریه‌های علم جمعیت‌شناسی مبنی بر تعداد بیشتر مردان به زنان در جهان قرابت و هم‌سویی دارد.

با بررسی آیات قرآن، خداوند متعال عدالت جنسیتی را در ابعاد مختلف بیان نموده است. اولین بعد عدالت جنسیتی که در این نوشته به آن پرداخته شد، بعد عدالت زن و مرد در آفرینش است. خداوند در قرآن سرشت انسان‌ها را چه زن و چه مرد از یک طینت می‌داند و هیچ‌گونه نظر تحقیرآمیزی با توجه به آیه اول سوره نساء به زن در آفرینش ندارد.

زیست‌شناسان اجتماعی و برخی از روانکاوان چون فروید و جامعه‌شناسانی مانند پارسونز که معتقدند جنسیت فرآیندی بیولوژیکی است و تحت ستم بودن زنان و انقیاد آنها ریشه بیولوژیکی داشته، یافته‌های پژوهش حاضر با این نظریه‌ها هم‌سو نبوده اما با دیدگاه استوارت میل و نظریه فمینیست‌ها مبنی بر اینکه ویژگی‌های روانی و بیولوژیکی دلیلی بر فرودستی زنان نیست، هم‌سوست.

بعد دیگری که از آیات کلام الله مجید استنباط شد، حق مالکیت و داشتن استقلال مالی هر دو جنس است. پرداخت نفقه و مخارج خانواده از وظایف مرد است و زن به همه اموالش اختیار تام دارد. خداوند در آیه ۳۴ سوره نساء به روشنی حق اختیار و سلطه زن بر مال خود را بیان می‌کند. این یافته با نظریه شهید مطهری «کار زن از نظر اسلام متعلق به خود اوست» (مطهری، ۱۳۹۵: ۵۲) هم‌سویی دارد.

خداوند متعال در قرآن حق داشتن آزادی عمل و آزادی بیان زنان را مورد توجه قرار داده است. آزادی بیان برای دختران از ارزش‌هایی است که در سوره قصص به آن تأکید شده

است. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ» (قصص: ۲۶) ملکه سباء نیز نمونه‌ای از زنانی است که خداوند با یادآوری آن خاطر نشان می‌سازد که مدیریت هوشمندانه جامعه زنانگی و مردانگی نمی‌شناسد؛ بلکه هرکس توان درایت داشته باشد، می‌تواند مدیریت جامعه را برعهده بگیرد.

بعد اساسی دیگر، حقوق متقابل زن و شوهر در خانواده است. خانواده از منظر قرآن بنیان سلامت جامعه و عامل رشد و تعالی و انسان‌هاست. از نگاه قرآن، ساختار درونی خانواده و روابط اعضای آن نه برپایه سلسله مراتب قدرت؛ بلکه بر اساس حاکمیت قانون کلی مودت و رحمت تعیین می‌شود. قرآن تحقق عدالت در خانواده را منوط به تحقق سرمایه عاطفی می‌داند. مهریه (صداق) نمادی از صداقت و جلوه‌ای از اعتماد بین زوجین است. مهریه نشانه‌ای از ایمان و باور متقابل زن و شوهر است که بر مرد واجب است آن را بپردازد. اما در زمان حاضر مهریه به عنوان ضمانت مالی در پیش زن است که هر موقع عرصه بر زن تنگ آمد شوهر را در مخمصه قرار دهد؛ لذا می‌توان گفت اگر روابط زن و شوهر برپایه عاطفه بنا شود، تربیت نسلی را شاهد خواهیم بود که به معنای واقعی انسانی خواهد بود با داشتن ویژگی‌هایی از همدلی و همدردی نه موجودی حریص برای رسیدن به قدرت و سلطه بر هم نوع خویش.

نکته دیگری که قرآن بر آن تأکید دارد، همانندی زن و شوهر از لحاظ فکری، اقتصادی و اجتماعی است. اگر سرمایه بوردیو را به عاریت بگیریم، می‌توان گفت: قرآن با تشبیه همانندی زوجین به لباس، برقراری عدالت در خانواده را منوط به صمیمیت و درک متقابل زوجین از همدیگر می‌داند، این پدیده اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که زوجین به لحاظ سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و عاطفی کفو هم باشند.

قرآن در بحث حجاب و پوشش زنان سرچشمه بسیاری از آسیب‌ها از جمله هوس‌بازی و آزار زنان و دختران را به نوع لباس پوشیدن آنان متوجه می‌سازد. از نظر قرآن لباس باعث تشخیص است که زنان با رعایت آن اولاً در جامعه بدون مزاحمت حضور می‌یابند؛ دوم اینکه لباس باعث معرفی جایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد می‌شود «يعرفن فلا يُؤذین» (احزاب: ۵۹)

که این تعبیر همسو با نظریه «تمایز» بوردیو است، با این تفاوت که تمایز بوردیو با هدف تشخیص کنشگر برای نشان دادن جایگاه خود در نظام قشربندي اجتماعي بوده اما از دیدگاه قرآن تمایز زنان از همدیگر نه برای تفاخر، بلکه شناخته شدن افراد متین و پاکدامن از زنان هوس باز، جهت حضور مؤثر در جامعه است.

راهکارهای تحقق عدالت جنسیتی در راستای تحقق آرمان شهر اسلامی

خداوند متعال برای صیانت و استحکام خانواده و رعایت عدالت در روابط بین اعضای آن، راهکارهای زیر را بیان می نماید:

ترویج معنویت در خانواده

خانواده مهم ترین نهادی است که حفظ حرمت و حریم آن مورد تأکید قرار گرفته است و وارد شدن به این حریم مبتنی بر آداب خاص خود است «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً» (نور: ۶۱). خداوند در اولین آیه سوره نساء بنیان و سنگ بنای این نهاد ارزشمند جامعه را بر تقوی نهاد و مراعات آن را بر همه انسان ها ضروری می داند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...» (نساء: ۱) وقتی اعضای خانواده در تمام کارها حضور خدا را دیدند، جزء عدالت پیشگی طریق دیگری را نمی گیرند.

حسن معاشرت

خداوند رفتارهای پسندیده و مبتنی بر حسن خلق را با اصطلاح «حسن معاشرت» بیان می کند و می فرماید: «...وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا...» (نساء: ۵) «وَعَاشِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ...» (نساء: ۲۱). انسان در معاشرت احسن، جزء طلب محبت و محبت ورزیدن هدفی ندارد. محبت، هدیه ای الهی است که با مال و مقام و زیبایی به دست نمی آید. همسر از نظر قرآن باید عامل آرامش

۱. پس چون به خانه هایی [که گفته شد] درآمدید به یکدیگر سلام کنید.

باشد نه موجب ترس و سلطه‌گری. «... لِتَشْكُونُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (روم: ۲۱)؛ بنابراین امکان حاکمیت عدالت در خانه ای است که در آن مؤلفه آرامش برقرار باشد.

مشورت و همفکری

آنچه در جامعه کنونی مورد تهدید خانواده‌ها است کمبود تفاهم و درک متقابل است. مشورت و همفکری کردن باعث ایجاد تفاهم بین کنشگران درون خانواده خواهد بود. از نظر قرآن مؤلفه مشورت تا جایی ارزشمند است که حتی در صورت جدایی زن و شوهر، خداوند متعال آنها را به مشورت و همفکری فرا می‌خواند «...وَأْتِمُرُوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرُوفٍ...» (طلاق: ۶). «أَتِمُّوا» از «ایتمار» به معنای پذیرش دستور یا مشورت است که در واقع به معنای توافق و تفاهم بر انجام امری است (قرآنی، ج ۱۰: ۱۱۰).

صداقت و اعتماد

اسلام دینی مبتنی بر فطرت است و صداقت و اعتماد از بزرگترین سرمایه‌های اجتماعی است که در قرآن به آن سفارش شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ^۱». فلسفه «صداق» که قرآن به آن سفارش نموده نشانه صداقت در ازدواج است که در عصر حاضر به تضمین مالی بدل شده است. یکی از برکات صداقت و اعتماد در هر رابطه‌ای، برقراری عدالت و دوری از برتری جویی است. «... وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ...» (اسراء: ۸۰).

تعاون و تقسیم‌کار

تعاون و همکاری از ارزش‌هایی است که خداوند با صیغه امر به آن اشاره نموده است «...وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...» (مائده: ۲). از نظر قرآن جامعه‌ای سالم و پایدار است که در آن

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راست‌گویان باشید.

۲. و بگو: پروردگارا! مرا با ورودی نیکو و صادقانه وارد (کارها) کن و با خروجی نیکو بیرون آر

تقسیم کار و اصل تعاون، رعایت شده باشد «لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» (زخرف: ۳۲)؛ حتی در سنت پیامبر (ص) نیز رعایت تعاون در خانواده آمده است: «روزی رسول اکرم (ص) وارد منزل امیر مؤمنان (ع) شد. او و حضرت زهرا (س) مشغول آسیاب کردن غله هستند، پرسید: کدام یک از شما خسته است؟ حضرت علی (ع) پاسخ داد: ای پیامبر! فاطمه خسته است. حضرت به او فرمود: دخترم! برخیز. او برخاست و پیامبر (ص) به جای او به آسیاب کردن پرداخت» (مجلسی، ج ۴۳: ۵۰۰).

کنترل غیر رسمی

دوستی‌ها و ارتباطات پیش از ازدواج که معمولاً بدون اطلاع خانواده‌های دختر و پسر صورت می‌گیرد یکی از دلایل بروز اختلاف بین زن و شوهر در خانواده‌های امروزی است. کنترل غیر رسمی که در مقابل کنترل رسمی مبتنی بر اجبار و الزام قانون، برای رعایت هنجارهای اجتماعی از ابزارهای غیررسمی مانند ترس از طرد شدن توسط خویشان و سرزنش توسط آن‌ها استفاده می‌شود. قرآن سفارش می‌کند با اجازه خانواده‌شان ازدواج صورت گیرد «... فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ...^۱» (نساء: ۲۵). حتی بعد از ازدواج وقتی بین زوجین اختلافی صورت گرفت قرآن دادگاه خویشاوندی و غیر رسمی را سفارش می‌کند که با دخالت بزرگترها اختلافات پایان پذیرد: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّيهِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^۲» (نساء: ۳۵).

۱. پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآوردید.

۲. و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید اگر سر سازگاری دارند خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد آری خدا دانای آگاه است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- قرآن کریم
- آبوت، پالما وکلر، والاس، (۱۳۸۰)، «درآمدی بر جامعه‌شناسی زنان»، ترجمه نجم عراقی، تهران: نی.
- احمدزاده، سیدمصطفی، (۱۳۹۵)، «شاخص‌های کیفی عدالت از دیدگاه قرآن کریم»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال ۲۱، شماره ۴، پیاپی ۸۱، زمستان: ۳۰-۵۵.
- استونز، راب، (۱۳۷۹)، «متفکران جامعه‌شناسی»، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- بروجردی، علوی، مهدخت، اشرفی، عباس، رزمیان، راضیه (۱۳۹۳)، «روابط خانوادگی از منظر قرآن»، فصلنامه دانشگاه علامه طباطبایی، دوره ۱، شماره ۱، بهار: ۷۰-۵۱.
- ترنر، اچ، جاناتان، (۱۳۹۴)، «نظریه‌های نوین جامعه‌شناسی»، ترجمه علی اصغر مقدس و مریم سروش، تهران: جامعه‌شناسان.
- جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۵)، «ترجمه و تفسیر نهج البلاغه»، جلد سوم، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- جلال‌الدین محمد بلخی، (۱۳۸۹)، «مثنوی معنوی مولانا»، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- دوپوار، سیمون (۱۳۸۰) «جنس دوم»، ترجمه قاسم صنعودی، ج اول و دوم، تهران: نشر توس.
- دورکیم، امیل، (۱۳۹۶)، «درباره تقسیم کار اجتماعی»، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

- راغب اصفهانی، حسین، (۱۳۸۳)، «مفردات الفاظ قرآن»، ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی، تهران: انتشارات مرتضوی، جلد دوم.
- ریتزر، جورج، (۱۳۸۳)، «نظریه جامعه‌شناسی مدرن»، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشرنی.
- زیبایی نژاد، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵)، «مجموعه مقالات هویت و نقش‌های جنسیتی»، تهران: مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۰)، «مکانت زن در قرآن»، قم: پژوهش‌های قرآنی.
- سیدمن، استیون، (۱۳۹۳)، «کشاکش آراء در جامعه‌شناسی»، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- شریفی، عبدالله، لطفی، مهرعلی، (۱۳۹۲)، «سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم (ع)»، فصلنامه معارف قرآنی، دوره ۴، شماره ۱۴: ۱۰۰-۸۱.
- علایی رحمانی، فاطمه (۱۳۸۳)، «حضانت کودکان از نگاه فقه و حقوق»، فصلنامه علوم انسانی، شماره ۴۱، بهار: ۲۴۶-۲۲۳.
- قرآنتی، محسن (۱۳۸۳)، «تفسیر نور»، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- گرت، استفان، (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی جنسیت»، ترجمه: کتایون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- مجلسی، محمداقبر، (۱۳۸۲)، «بحارالانوار»، مصحح: علی اکبر عابدی زنجانی، قم: مؤسسه الوفاء.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۵)، «مجموعه آثار»، ج ۲۱، قم: انتشارات صدرا.
- میل، جان استوارت، (۱۳۷۵)، «فایده‌گرایی»، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نشرنی.



- Gheaus. Anca,(۲۰۱۲), Gender Justice, Journal of ethics & Social Philosophy, vol. ۶, No. ۲
- Klingorova .Kamila & Havlicek Tomas,(۲۰۱۵), Religion and gender inequality: The status of women in the societies of world religions , Moravian Geographical Reports, vol. ۲۳, No. ۲